

محمد دهریزی:

متن بدون تصویر تقریباً بی معنا است

محمد دهریزی، دیگر شاعر و نویسنده کودک نیز در این باره گفت: به نظر من برای بررسی دقیق این موضوع باید سه مقوله «ضرورت تصویر» در کتاب کودک، «اهمیت و نقش تصویر» در کتاب کودک و «جایگاه تصویرگر» را از هم تفکیک کنیم. شخصاً به عنوان نویسنده کودک و یک خواننده فعال کتاب‌های کودک در مقوله اول؛ یعنی ضرورت تصویر برای کتاب‌های کودکانه تنها افتی نمی‌بینم؛ بلکه اتفاقاً در این زمینه رشد هم داشته‌ام. امکان ندارد ناشی - حتی ناشران بازاری و بزرگسال - پیدا شود که برای کودکان کتابی بدون تصویر منتشر کند. اما افتی که شما از آن نام می‌برید و دغدغه آن را دارید مربوط به آن دو مقوله دیگر است. در مقوله دوم یعنی نقش تصویر در کتاب‌های کودک، من هم معتقدم هنوز حتی جامعه تخصصی به نقش و اهمیت تصویر در کتاب کودک پی نبرده و تصویر را نسبت به متن در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد. حتی گاهی تصویر را نوعی تزئین برای متن می‌دانند، در حالی که این طور نیست. در کتاب «بازی متن و تصویر» نوشته ماریانو کولایو و کارل اسکات آمده است: «متن و تصویر به عنوان دو عامل ارتباطی در تعامل با همدیگر داستان را بیان می‌کنند» در این جمله؛ برای نویسنده و تصویرگر نقشی برابر قائل شده است، به این معنی که نویسنده و تصویر با هم داستان را پیش می‌برند و بیان می‌کنند. نکته مهم دیگر اینکه تصویرگر هم به مانند نویسنده عناصری را به وسیله تصویر پیش می‌گیرد که اولاً عناصر مشترک در نویسندگی هستند و ثانیاً به همان اندازه مهمند. تصویرگر وقتی متن را دست می‌گیرد و آن را می‌خواند، به طور طبیعی به عناصری مثل رابطه، زمینه، زاویه دید، شخصیت پردازی، زمان، حرکت و حتی بینامتنیت، توجه می‌کند. به همین دلیل است که غالباً در تصویرگری‌های موفق خوانش و گفت‌وگو، یک متن پس از تصویرگری



دگرگون می‌شود. اینجاست که در می‌یابیم چرا آثاری که برای کودکان خلق می‌شود و خالق واحد دارند (نویسنده و تصویرگر آنها یک نفر است) مثل کتاب‌های دکتر زیوس، سیلوراستاین و... عملاً آثار موفق تری هستند. این نویسنده یادآور شد: فقط بحث تصویرگری نیست که متن را ارتقاء می‌دهد، بلکه مسئله «پرمتن‌ها» مثل آستر استقبال و آستر بدرقه نیز توسط تصویرگر و متناسب با فضای داستان طراحی و تصویرگری می‌شوند و همین دو عنصر به ظاهر ساده نقش مهمی در کتاب بازی می‌کنند. هر آنچه گفتیم مربوط به کتاب‌های مصور بود، در حالی که نقش و اهمیت تصویرگر در کتاب‌های تصویرگری به مراتب مهم‌تر و حتی گاهی بیشتر از نویسنده است. در مقوله سوم؛ یعنی جایگاه نویسنده، نیز این جور کج فهمی‌ها دیده می‌شود. به وضوح می‌بینیم که در کتاب‌های کودک حتی در کتاب‌های تصویرگری جایگاه نویسنده را بالاتر از تصویرگر می‌بینند، در حالی که این درست نیست. کتاب تصویرگری محصول مشترکی است که نویسنده و تصویرگر هر دو آن را تولید کرده‌اند. حتی شخصاً معتقدم در ارجاعات

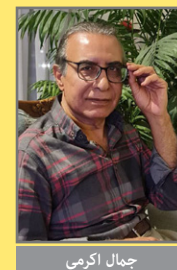


محمد دهریزی

کتاب‌های علمی و مقاله‌های پژوهشی باید علاوه بر نام نویسنده، نام تصویرگر نیز ذکر شود. او در پاسخ به این سوال که چه راه کاری برای این که به مقوله تصویرگری در کتاب‌های کودکان توجه بیشتری شود ارائه می‌دهید اظهار کرد: اینکه چه باید کرد تا نسبت به نقش و اهمیت تصویرگری در کتاب‌های کودکان و جایگاه تصویرگر نگرش‌ها تغییر کند، نیازمند زمان است. چرا که این مسئله‌ای فرهنگی است. سال‌ها طول کشیده تا ادبیات کودک جایگاه خودش را پیدا کرده و اکنون کمتر کسی می‌تواند این جایگاه را نادیده بگیرد. حتی ادبیات کودک توانسته در سطوح تکمیلی دانشگاه‌ها هم برای خودش عرض اندام کند و در مقاله‌های علمی پژوهشی، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها نیز سهمی را به خود اختصاص دهد. من اهمیت دادن به نقش تصویر و جایگاه تصویرگر را در جامعه فعلی، کافی نمی‌دانم؛ اما روند را مثبت می‌بینم. در این بین، یک نکته جانبی اما خیلی مهم هم وجود دارد و آن سبک و سیاق نویسندگان ماست. اول این که ما نویسندگان کودک باید به نقش و جایگاه تصویر در کتاب توجه داشته باشیم. از همان ابتدای نگارش متن پرگویی را کنار بگذاریم و فضاهایی را برای تصویرگران خالی کنیم. اگر واقعاً چنین روندی شکل بگیرد دیگر هیچ کتاب کودک بدون تصویر قابل چاپ نیست؛ چون بی‌معناست. یکی از تفاوت‌های جدی آثار تالیفی و ترجمه‌ای همین جاست. نویسندگان غربی واقعاً بخشی از درک و دریافت متن را به تصویر ماکول می‌کنند و به همین دلیل است که وقتی این کتاب‌ها را تورق می‌کنیم و می‌خوانیم، بین متن و تصویر تفاوتی نمی‌بینیم. متن بدون تصویر تقریباً بی‌معناست و تصویر هم بدون متن نارساست.

جمال اکرمی:

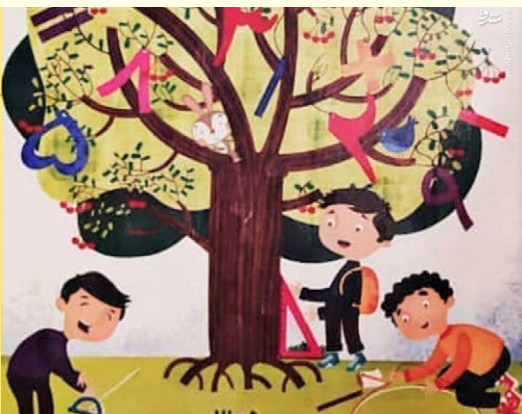
دردوره گسست نسل‌ها به سر می‌بریم



جمال اکرمی

جمال اکرمی تصویرگر و پژوهشگر حوزه تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان نیز معتقد است: پیشینه تصویرگری ما برگرفته از هنرنگاری این هنر را غنی کرده است. بخصوص این که دهه‌های چهل و پنجاه اوج درخشش تصویرگری ما به شمار می‌روند. تصویرگران در این سال‌ها تلاش خود را کرده‌اند تا در عرصه‌های جهانی حضور یابند و آثار با کیفیت خود را به معرض نمایش بگذارند، هرچند

موانع زیادی پیش روی خود دارند. از جمله این موانع می‌توان به ضعیف شدن بدنه صنعت نشر اشاره کرد و این که از امکانات ناشر برای آن که تصویرگران را مورد حمایت قرار دهد کاسته شده است. در سال‌های گذشته، تصویرگران از بورسیه یا فرصت‌های نمایشگاهی و جشنواره‌های بر خوردار می‌شدند و حضور آنها در مجامع بین‌المللی باعث می‌شد تا دنیا را بشناسند و در مقابل، دنیا نیز به زوایای تصویرگری ما پی ببرد اما فرصت‌هایی از این دست روز به روز کاهش یافته است. این تصویرگر ادامه داد: بحث ممیزی در تصویرگری هم یکی دیگر از موانع جدی در این حوزه است و نهادهای دولتی برای آن که آثار تصویرگران را در عرصه‌های بین‌المللی به نمایش بگذارند نسبت به آثار ناگهانی سلیقه‌های اعمال کرده‌اند و این نوع نگاه باعث شده تا حمایت و توجه‌شان شامل حال عده‌ای از تصویرگران شود. در نتیجه تصویرگران ماهر و با تجربه از این دایره بیرون مانده و تصویرگرانی که تجربه کمتری داشته‌اند روانه بینال‌ها و جشنواره‌های خارجی شده‌اند. بحث دیگر عدم نقد تصویرگری است که در سال‌های اخیر جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. در سال‌های گذشته مانشریاتی مثل «کتاب‌ماه» داشتیم و هر هفته تصویرگران و نویسندگان دور هم جمع شده و با هم گفت‌وگو و تبادل نظر می‌کردند، در واقع نقد آثار باعث می‌شد تا تصویرگران جوان و پیشکسوت با یکدیگر ارتباط نزدیکی داشته باشند اما متأسفانه این جلسات ادامه نیافت. از این‌ها گذشته، در سال‌های اخیر، تصویرگری در کتاب‌های زرد و دیجیتالی به شکل افراطی به این حوزه لطمه وارد کرده است. به خصوص در زمینه کتاب‌های کمک‌درسی و این مسئله سبب شده تا عده‌ای از تصویرگران با ارائه آثار نازل و بی‌کیفیت راحت‌تر به درآمدزایی برسند. دیگر مسئله‌ای که لازم می‌دانم در این بحث به آن اشاره کنم، مهاجرت عده‌ای از تصویرگران پرسابقه است. متأسفانه در این سال‌ها تصویرگران به واسطه مشکلاتی که به اجمال به برخی از آنها اشاره کردم قادر به تامین زندگی خود نبوده و تحریم‌ها هم آنها را از حضور در بورسیه‌ها



قرار بگیرند، خود را رقیب هم می‌دانند. اگر چه در این سالها، تصویرگران با قدم‌های محکم و سرهای برافراشته در رویدادهای جهانی شرکت کرده و به واسطه آثارشان افتخار کسب کرده‌اند اما باید بپذیریم که پاره‌ای از محدودیت‌ها در این سالها باعث شده است تا جایگاه آنها در مجامع بین‌المللی کمرنگ شود.

این تصویرگر در پاسخ به این سوال که از گذشته تا امروز اختلاف نظرهایی درباره این که شاخه تصویرگری باید ذیل معاونت هنری وزارت فرهنگ قرار بگیرد یا معاونت فرهنگی اذعان کرد: از نظر من این بحثی حاشیه‌ای است که برخی مدیران به طرح آن می‌پردازند تا از پاسخ به سوالات اساسی شانه خالی کنند. این که تصویرگری تحت عنوانی قرار بگیرد مهم نیست، مهم این است که حق این هنر به آن شکلی که شایسته است به جا آورده شود که در عمل تا امروز چنین اتفاقی نیفتاده است. وضعیت تصویرگری در دانشکده‌های هنر هم تعریف چندانی ندارد، به طوری که وقتی وارد کلاس‌های تصویرگری می‌شویم، دانشجویان نشسته و به استاد گوش می‌دهند، بی آن که در دست هیچ کدامشان قلم مو و رنگ مشاهده کنیم. متأسفانه برخی از استادان تصور می‌کنند با بسنده کردن به تعاریف تئوری از دنیای گرافیک می‌توانند دنیای تصویرگری را پیش چشم دانشجو ترسیم کنند. در حالی که بخش اعظمی از هنر تصویرگری به فعالیت عملی مربوط می‌شود. از سویی دیگر، تصویرگری عمدتاً زیر مجموعه نقاشی است نه گرافیک؛ رویکردی که در رده بندی دانشگاهی دیده می‌شود. آنچه مسلم است این که تصویرگری؛ هنر و حرفه‌ای است که ریشه در گذشته فرهنگی ما دارد و در جهان امروز و آینده نیز سهم به سزایی را ایفا می‌کند. با این حال، تا زمانی که نگاه‌ها نسبت به جایگاه این هنر تغییر نکند و فرصت‌های حاشیه‌ای به فرصت‌های کلان تبدیل نشوند نمی‌توان به روشن ماندن چراغ حیطه امید داشت.



و جشنواره‌های خارجی دور کرده است، از این رو، این گروه از هنرمندان به ناچار تن به مهاجرت داده‌اند.

این تصویرگر با اشاره به این که نهادهای مرتبط مانند انجمن تصویرگران نتوانسته‌اند در این سال‌ها مورد حمایت مادی و معنوی قرار بگیرند و پشتوانه‌ای برای هنرمندان این حیطه باشند گفت: به عنوان مثال، هنوز نهادهای مثل انجمن تصویرگران نتوانسته مسئله قرارداد پشت جلدی تصویرگران را حل و فصل کند. این در حالی است که در سراسر دنیا، تصویرگر با داشتن قرارداد پشت جلدی به فعالیت خود ادامه می‌دهد، به این معنی که هر بار که کتاب چاپ می‌شود، تصویرگر از منافع مادی آن اثر برخوردار است، در حالی که در ایران چنین چیزی نیست و حق تصویرگر به جز در همان چاپ اول، در چاپ‌های بعدی ادانمی‌شود. نکته بعدی این است که ضعف صنعت چاپ، احتکار و گران شدن قیمت کاغذ شرایطی را فراهم کرده تا ناشر تمایلی به چاپ کتاب‌هایی با تصاویر رنگی نداشته باشد و به سمت چاپ کتاب‌هایی تک‌رنگ و دورنگ برود. تقریباً هر کتابی که برای گروه سنی نوجوان منتشر می‌شود از تصویرگری دور شده و ناشر تمایلی به انتشار کتاب‌هایی از این دست ندارد، به ویژه کتاب‌های طنز برای نوجوانان. چرا باید فکر کنیم نوجوان آن قدر بزرگ شده و از دنیای کودکی فاصله گرفته است که دیگر به تصویر در کتاب نیازی ندارد. به نظر من می‌توان در این زمینه از طرح‌های خطی بهره گرفت که هزینه چندانی هم برای ناشر در بر نداشته باشد.

این هنرمند اضافه کرد: شتاب‌زدگی در انتخاب کتاب و تصویرگر هم از دیگر معضلات این حوزه به شمار می‌رود. ضمن این که همان طور که اشاره کردم، فراهم نبودن زمینه نقد و تبادل نظر باعث شده تا ساز تجارب هنرمندان پیشکسوت و هم چنین تعلقات فرهنگی مان جدا بمانیم و به قول زنده یاد پرویز کلانتری، امروز در این زمینه گسست نسل‌ها صورت گرفته است. در واقع به دلیل نبود نقد است که تصویرگران به جای آن که در کنار هم